

# نکات ادبی، زبانی، معنی و مفهوم، درس سوم:

## «نسل آینده ساز»

**سطریک:** جوان و نوجوان چشمه جوشان نیرو و استعداد است .

**معنی:** جوان و نوجوان پر از توانای و استعداد است

**آرایه ادبی:** چوان و نوجوان مانند چشمه است : تشبیه / نیرو و استعداد مانند چشمه می جوشد : تشبیه

**سطر چهارده:** امروز وضع شما از زمین تا آسمان تفاوت کرده است

**آرایه ادبی:** زمین و آسمان : تضاد و مراعات النظیر / از زمین تا آسمان تفاوت کرده : کنایه از اینکه بطور کلی تغییر کرده

**سطر پانزده:** دنیا باور نمی کند .

**معنی:** منظور از دنیا مردم دنیاست (با این آرایه بعدا آشنا خواهید شد )

**سطر بیست:** آینده با حرف ساخته نمی شود .

**معنی:** آن چیزی که مهم است عمل کردن است و نه حرف زدن .

**سطر بیست و دو:** به شما جوانان به عنوان فرزندان عزیز و گرامی .

**آرایه ادبی:** کنایه از بسیار عزیز و گرامی

**سطر بیست و شش:** جوانیتان را قدر بدانید .

**معنی:** ارزش دوران جوانی را بدانید و از آن خوب استفاده کنید .

## شعر خوانی «توفیق ادب» :

**پیام درس:** شاعر در این شعر ناتوانی خود را در برابر خداوند آشکار می کند و از خداوند بزرگ می خواهد به او یاری برساند.

**مولوی:** جلال الدین محمد بلخی از شاعران و عارفان بزرگ ایران در قرن هفتم است و کتاب عظیم «شوی معنوی» با ۲۶۰۰۰ بیت که گنجینه ای از

معارف اسلامی است و معروف ترین اثر او است. آرامگاه او در «قونیه» ترکیه واقع است.

## ای خدا ای فضل تو حاجت روا با تو یاد هیچ کس نبود روا

**معنی و مفهوم:** ای خدایی که بخشش تو بر طرف کننده نیاز هاست با وجود تو شایسته نیست نام دیگری را بر زبان بیاوریم (خاوند در همه حال برای بنده اش کافی است)

**نکته های دستوری:** بیت ۴ جمله است. در جمله دوم منادا حذف شده است (ای کسی که) و در جمله سوم فعل (است) حذف شده: فضل تو حاجت روا است.

**آرایه ادبی:** قافیه: حاجت روا و روا

## قطره دانش که بخشیدی ز پیش متصل گردان به دریاهای خویش

**معنی و مفهوم:** آن دانش اندکی از سمت خودت به ما دادی را به دریای علم و معرفت بی نهایت خودت متصل کن. (بی نهایتی علم خداوند و محدودیت دانش انسان)

**نکته های دستوری:** قطره دانش: مفعول / این بیت دو جمله دارد در هر دو جمله نهاد (تو) حذف شده است.

**آرایه ادبی:** قطره دانش: تشبیه (دانش مشبه و قطره «مشبه به»)/ قطره و دریا: تضاد

## صد هزاران دام و دانست ای خدا ما چو مرغان حریصی بی نوا

**معنی و مفهوم:** ای خدا در مسیر زندگی ما هزاران مشکل مادی وجود دارد و ما مانند پرندگان حریص و بیچاره ای هستیم که گرفتار هواهای

نفسانی شده ایم و دچار لغزش و اشتباه می شویم. (دنیای مادی انسان های طمع کار را اسیر می کند)

**نکته های دستوری:** بیت ۳ جمله دارد و در جمله سوم (مصراع دوم) فعل حذف شده است (ما چو مرغان حریصی بی نوا هستیم)

**آرایه ادبی:** دام و دانه و مرغان « مراعات النظیر / چو: مانند مرغان: تشبیه (ما: مشبیه، چو: ادات تشبیه، مرغان: مشبه به / بی نوا: وجه

شبه) دام و دانه نماد مشکلات و گرفتاری های دنیایی است / خدا: منادا // صد هزاران دان و دانه: نهاد

## گر هزاران دام باشد هر قدم چون تو با مایی نباشد هیچ غم

**معنی و مفهوم:** خدایا اگر در مسیر زندگی ما هزاران مشکل و گرفتاری وجود داشته باشد با کمک و یاری تو هیچ غمی باقی نمی ماند.

**نکته های دستوری:** هزاران دام « نهاد / چون در مصراع دوم: ادات تشبیه نیست /

**آرایه ادبی:** دام نماد گرفتاری و سختی است

## از خدا جویم توفیق ادب بی ادب محروم شد از لطف رب

**معنی و مفهوم:** از خدا می خواهیم در فراگیری ادب به ما کمک کند زیرا انسان بی ادب از عنایت و رحمت خداوند بی بهره است.

**نکته های دستوری:** بیت دو جمله دارد / توفیق ادب: مفعول / بی ادب « نهاد

**آرایه ادبی:** رب و ادب: قافیه

## بی ادب تهنانه خود را داشت بد بلکه آتش در همه آفاق زد

**معنی و مفهوم:** انسان بی ادب نه تنها در حق خودش بدی می کند بلکه تمام مردم دنیا هم از دست بدی های او در امان نیستند

**نکته های دستوری:** بی ادب : نهاد / خود : مفعول / همه آفاق : متمم / بیت دو جمله دارد .

**آرایه ادبی:** آتش در آفاق زدن کنایه از در رنج و گرفتاری انداختن است .

## لغات مهم :

۱. جوشان : در حال جوشیدن
۲. استعداد « توانایی
۳. اهل : آن که به چیزی علاقه مند است
۴. پر شور : دارای عواطف تند
۵. مختلف : گوناگون
۶. مومن : دین دار ، مسلمان ، متدین
۷. به رغم : بر خلاف
۸. به هیچ وجه: هرگز
۹. مطبوعات : روزنامه ها و مجلات
۱۰. رسانه ها : وسیله ای که با آن خبر را به مردم می رسانند
۱۱. انحراف : دور شدن از حقیقت
۱۲. صلاح : درستی
۱۳. پاکدامنی : پرهیزگار بودن
۱۴. پارسایی : پرهیزکاری
۱۵. صداقت : درستکاری و دوستی و محبت
۱۶. شعور : درک و فهم
۱۷. متخصصان : کسانی که در یک کار تخصص و مهارت دارند
۱۸. مجبور : وادار شدن به کاری
۱۹. اعتراف: به زبان آوردن
۲۰. پشتوانه : پشتیبان
۲۱. همت : تلاش و اراده
۲۲. غیرت : مردانگی . آبرو
۲۳. اوایل : ج اول ، آغاز هر چیزی
۲۴. هیئت : گروه ف دسته
۲۵. استحکامات : بنا و موانعی که برا دفع دشمن قرار می دهند
۲۶. بحمدالله : خدا را شکر
۲۷. برحورداز « بهره مند
۲۸. مایه : سبب
۲۹. بالیدن : فخر کردن
۳۰. نظام : دستگاه
۳۱. برافراشته : بلند کرده
۳۲. رستگاری: رهایی
۳۳. شکوهمند : با شکوه با عظمت
۳۴. مقتدر : قدرتمند و توانا
۳۵. قدر : اندازه
۳۶. والا : عالی
۳۷. فضل : بخشش
۳۸. حاجت روا: بر آورنده حاجت و نیاز
۳۹. روا : شایسته
۴۰. متصل « پیوسته
۴۱. حریص : طمعکار . زیاده خواه
۴۲. بی نوا : بی چاره ف ناتوان و در مانده
۴۳. توفیق: موفقیت و کامیابی
۴۴. لطف: احسان و مهربانی
۴۵. محروم : بی بهره
۴۶. آفاق : جمع أفق ، کرانه های آسمان